



مداحان امشب از وداع، وفاداری اصحاب و دلشوره های زینب (س) می گویند

مداحان امشب از وداع حضرت زینب(س)، وفاداری اصحاب از جمله حبیب بن مظاهر، رقابت یاران امام با بنی هاشم برای حضور در میدان، برداشتن بیعت و دلشوره های زینب (س) سخن می گویند.

خبرگزاری فارس: مداحان امشب از وداع حضرت زینب(س)، وفاداری اصحاب از جمله حبیب بن مظاهر، رقابت یاران امام با بنی هاشم برای حضور در میدان، برداشتن بیعت و دلشوره های زینب (س) سخن می گویند.

عاشورا

روز دهم محرم، روز شهادت سالار شهیدان و فرزندان و اصحاب او در کربلا. عاشورادر تاریخ جاهلیت عرب، از روزهای عید رسمی و ملی بوده و در آن روزگار، در چنین روزی روزه می گرفتند، روز جشن ملی و مفاخره و شادمانی بوده است و در چنین روزی لباسهای فاخر می پوشیدند و چراغانی و خضاب می کردند. در جاهلیت، این روز را روزه می گرفتند. در اسلام، با تشریح روزه رمضان، آن روزه نسخ شد. گفته اند: علت نامگذاری روز دهم محرم به عاشورا آنست که ده نفر از پیامبران با ده کرامت در این روز، موردتکریم الهی قرار گرفتند.

در فرهنگ شیعی، به خاطر واقعه شهادت امام حسین « در این روز، عظیمترین روزسوگواری و ماتم به حساب می آید که بزرگترین فاجعه و ستم در مورد خاندان پیامبر انجام گرفته و دشمنان اسلام و اهل بیت این روز را خجسته شمرده به شادی می پرداختند، اما پیروان خاندان رسالت، به سوگ و عزا می نشینند و بر کشتگان این روز می گریند. امام صادق « فرمود: « و اما یوم عاشورا فیوم اصیب فیه الحسین « صریحا بین اصحابه و اصحابه حوله صریحا «.

عاشورا روزی است که حسین « میان یارانش کشته بر زمین افتاد، یاران او نیز پیرامون او به خاک افتاده و عریان بودند. امام رضا « فرمود: « من کان عاشورا یوم مصیبت و بکائه جعل الله عز و جل یوم القیامة یوم فرحه و سروره « هرکس را که عاشورا روز مصیبت و اندوه و گریه باشد، خداوند قیامت را روز شادی او قرار می دهد. « زیارت عاشورا « در باره این روز غمانگیز که امویان آنرا مبارک می دانستند، آمده است: « اللهم هذا یوم تبرکت به بنو امیه و ابن آكلة الابدان «.

امامان شیعه، یاد این روز را زنده می داشتند، مجلس برپا می کردند، بر حسین بن علی « می گرستند، آن حضرت را زیارت می کردند و به زیارت او تشویق و امر می کردند و روز اندوهشان بود. از جمله آداب این روز، ترک لذتها، دنبال کار نرفتن، پرداختن به سوگواری و گریه، تا ظهر چیزی نخوردن و نیاشامیدن، چیزی برای خانه ذخیره نکردن، حالت صاحبان عزا و ماتم داشتن و... است.

در دوران سلطه امویان و عباسیان، شرایط اجتماعی اجازه مراسم رسمی و گسترده درسوگ ابا عبد الله الحسین را نمی داد، اما هر جا که شیعیان، قدرت و فرصتی یافته اند، سوگواری پرشور و دامنه داری در ایام عاشورا به راه انداخته اند. در تاریخ است که معز الدوله دیلمی اهل بغداد را به برگزاری مراسم سوگ و نوحه برای سید الشهداء « وادار ساخت و دستور داد که بازارها را ببندند و کارها را تعطیل کنند و هیچ طبخی غذایی نپزد و زنان سیاهیوش بیرون آیند و به عزاداری و نوحه بپردازند. این کار را چندین سال ادامه داد و اهل سنت نتوانستند جلوی آن را بگیرند، چون که حکومت، شیعی بود.

از قرنهای پیش، « عاشورا « بعنوان تجلی روز درگیری حق و باطل و روز فداکاری و جانبازی در راه دین و عقیده، شناخته شده است. حسین بن علی « در این روز، با یارانی اندک ولی با ایمان و صلابت و عزتی بزرگ و شکوهمند، با سپاه سنگدل و بی دین حکومت ستم یزیدی به مقابله برخاست و کربلا را به صحنه همیشه زنده عشق خدایی و آزادی و حریت مبدل ساخت. عاشورا گر چه یک روز بود، اما دامنه تاثیر آن تا ابدیت کشیده شد و چنان در عمق وجدانها و دلها اثر گذاشته که همه ساله دهه محرم و بویژه عاشورا، اوج عشق و اخلاص نسبت به معلم حریت و اسوه جهاد و شهادت، حسین بن علی « می گردد و همه، حتی غیر شیعه، در مقابل عظمت روح آن آزاد مردان تعظیم می کنند. عاشورا، نشان دهنده معنای « حسین منی و انا من حسین « بود که دین رسول خدا با خون سید الشهداء آبیاری و احیا شد. به تعبیر امام خمینی « ره «، « عاشورا، قیام عدالتخواهان با عدوی قلیل و ایمان و عشقی بزرگ در مقابل ستمگران کاخ نشین و مستکبران غارتگر بود... «، « اگر عاشورا نبود، منطق جاهلیت ابو سفیانیان که می خواستند قلم سرخ بر وحی و کتاب بکشند و یزید، یادگار عصر تاریک بت پرستی که به گمان خود با کشتن و به شهادت کشیدن فرزندان وحی امید داشت اساس اسلام را برچیند و با صراحت و اعلام «، « لا خبر جاء و لا وحی نزل « بنیاد حکومت الهی را برکند، نمی دانستیم بر سر قرآن کریم و اسلام عزیز چه می آمد. «

امام حسین و 171؛ که به دعوت اهل کوفه از مکه عازم این شهر بود تا به شیعیان انقلابی بپیوندد و رهبری آنان را به عهده گیرد، پیش از رسیدن به کوفه، در کربلا به محاصره نیروهای ابن زیاد در آمد و چون حاضر نشد ذلت تسلیم و بیعت با حکومت غاصب و ظالم یزیدی را بپذیرد، سپاه کوفه با او جنگیدند. حسین و یارانش روز عاشورا، لب تشنه، با رشادتی شگفت تا آخرین نفر جنگیدند و به شهادت رسیدند و بازماندگان این قافله نور، به اسارت نیروهای ظلمت درآمده به کوفه برده شدند. هفتاد و دو تن یاران شهید او، بزرگترین حماسه بشری را آفریدند و یاد خویش را در دل تاریخ و وجدان بشرهای فضیلت خواه، ابدی ساختند.

به تعبیر یکی از نویسندگان معاصر: 171؛ عاشورا، مائده بزرگ روح انسان است در تداوم اعصار، تجسم اعلائی وجدان بزرگ است در دادگاه روزگار، صلابت شجاعت انسان است در تجلیگاه ایمان، طواف خون است در احرام فریاد، تجلی کعبه است در میقات خون، نقش بیدار گذرها و رهگذرهاست در کاروان دراز آهنگ زندگیها و عبورها، عاشورا، باز خوان تورات و انجیل و زبور است در معبد اقدام، ترتیل آیات قرآن است در الواح ابدیت، خون خداست جاری در رگهای تنزیل، حنجره خونین کوه 171؛ حرا؛ است در ستیغ ابلاغ، درگیری دوباره محمد و 171؛ ص؛ است با جاهلیت بنی امیه و شرک قریش، تجدید مطلع رجزهای 171؛ بدر؛ است و 171؛ حنین؛ انفجار نماز است در شهادت و انفجار شهادت است در نماز، تبلور شکوه زاد جاودانگی حق است در تباہستان نابود باطل، هشدار خونین حسینیهاست در معبر اقوام، فریاد گستر انسانهای مظلوم است در همه تاریخ، دست نوازش انسانیت است بر سر بی پناهان، رواق سرخ حماسه است در تاریخکستان سیاهی و بیداد، قلب تپنده دادخواهان است در محکمه بشریت، طنین بلند پیروزی است در گوش آبادیها، عطشی است دریا آفرین در اقیانوس حیات، 171؛ رسالتی؛ است بزرگ بر دوش 171؛ اسارتی؛ رهایی بخش، عاشورا آبروی نمازگزاران است و عزت مسلمانان، و سرانجام، عاشورا رکن کعبه است و پایه قبله و عماد امت و حیات قرآن و روح نماز و بقای حج و صفای صفا و مروه و جان مشعر و منا و عاشورا، هدیه اسلام است به بشریت و تاریخ...؛

زینب و 171؛؛

زینب کبری سلام الله علیها، پیامبر خون شهدای کربلا و همراه حسین و 171؛؛ در نهضت خونین عاشورا. حضرت زینب، دختر امیر المؤمنین و فاطمه زهرا و 171؛؛ در سال پنجم هجری، روز 5 جمادی الاولی در مدینه، پس از امام حسین و 171؛؛ به دنیا آمد. از القاب اوست: عقيله بنی هاشم، عقيله طالبیین، موثقه، عارفه، عالمه، محدثه، فاضله، کامله، عابدۀ آل علی. زینب را مخفف 171؛؛ زین اب و 171؛؛ دانسته اند، یعنی زینت پدر.

امام حسین و 171؛؛ هنگام دیدار، به احترامش از جا برمیخاست. زینب کبری، از جدش رسول خدا و پدرش امیر المؤمنین و مادرش فاطمه زهرا و 171؛؛ حدیث روایت کرده است.

این بانوی بزرگ، دارای قوت قلب، فصاحت زبان، شجاعت، زهد و ورع، عفاف و شهامت فوق العاده بود. شوهرش، عبد الله بن جعفر (پسر عموی خودش) بود. از این ازدواج، دو پسر حضرت زینب به نامهای محمد و عون، در کربلا به شهادت رسیدند.

وقتی امام حسین و 171؛؛ پس از امتناع از بیعت با یزید، از مدینه به قصد مکه خارج شد، زینب نیز با این دو فرزند، همراه برادر گشت. در طول نهضت عاشورا، نقش فداکارهای عظیم زینب، بسیار بود. سرپرست کاروان اسیران اهل بیت و مراقبت کننده از امام زین العابدین و 171؛؛ و افشاگر ستمگریهای حکام اموی با خطبههای آتشین بود. زینب، هم دختر شهید بود، هم خواهر شهید، هم مادر شهید، هم عمه شهید. پس از عاشورا و در سفر اسارت، در کوفه و دمشق، خطابههای آتشینی ایراد کرد و رمز بقای حماسه کربلا و بیداری مردم گشت. پس از بازگشت به مدینه نیز، در مجالس ذکری که برای شهدای کربلا داشت، به سخنوری و افشاگری میپرداخت. وی به 171؛؛ قهرمان صبر و 171؛؛ شهرت یافت. در سال 63 و به نقلی 65 هجری درگذشت. قبرش در زینبیه (در سوریه کنونی) است.

برخی نیز معتقدند مدفن او در مصر است. در کتاب 171؛؛ خیرات الحسان؛ آمده است: در مدینه قحطی پیش آمد. زینب همراه شوهرش عبد الله بن جعفر به شام کوچ کردند و قطعه زمینی داشتند. زینب در همانجا در سال 65 هجری در گذشت و در همان مکان دفن شد. صبح ازل طلوعه ایام زینب است پاینده تا به شام ابد نام زینب است در راه دین لباس شهامت چو دوختند زینبند آن لباس بر اندام زینب است

بازترین بعد زندگی حضرت زینب، همان پاسداری از فرهنگ عاشورا بود که با خطابههایش، پیام خون حسین و 171؛؛ را به جهانیان رساند. در این زمینه، نوشتهها و سرودههای بسیاری است، از جمله این شعر:

سر نی در نیوا می ماند اگر زینب نبود کربلا در کربلا می ماند اگر زینب نبود چهره سرخ حقیقت بعد از آن طوفان رنگ پشت ابری از ریا می ماند اگر زینب نبود چشمه فریاد مظلومیت لب تشنگان در کویر تفته جا می ماند اگر زینب نبود زخمه زخمی ترین فریاد، در چنگ سکوت از طراز نغمه و می ماند اگر زینب نبود در طلوع داغ اصغر، استخوان اشگ سرخ در گلوی چشمها می ماند اگر زینب نبود ذو الجناح داد خواهی، بی سوار و بی لگام در بیابانها رها می ماند اگر زینب نبود در عبور از بستر تاریخ، سیل انقلاب پشت کوه فتنهها می ماند اگر زینب نبود.

خود زینب نیز از فصاحت و ادب برخوردار بود. در هنگام دیدن سر بریده برادر، خطاب به او چنین سرود: #171؛ یا هلالا لما استتم کمالا...؛ بعدها هم در سوگ حسین #171؛

اشعاری سرود، با این مطلع: #171؛ علی الطف السلام و ساکنیه...؛ سلام بر کربلا و بر آرمیدگان آن دشت، که روح خدا در آن قبه‌ها و بارگاه‌هاست. جانهای افلاکی و پاکی که در زمین‌خاکی، مقدس و متعالی شدند، آرامگاه جوانمردانی که خدا را پرستیدند و در آن دشتها و هامونها خفتند. سرانجام، گورهای خاموششان را قبه‌هایی افراشته در برخواهد گرفت، و بارگاهی خواهد شد، دارای صحنهای گسترده و باز...

الوداع

بدرود گفتن، خدا حافظی کردن، نیایشی که در هنگام مسافرت و مفارقت از یکدیگر بر زبان می‌آورند، به معنای #171؛ خدا نگهدار #171؛.

در حادثه نهضت عاشورا، وداع در مواردی دیده می‌شود. امام حسین #171؛ هنگامی که پس از مرگ معاویه و اصرار والی مدینه برای بیعت گرفتن از او، می‌خواهد از مدینه خارج شود، به زیارت قبر پیامبر رفته و با او خدا حافظی می‌کند و عازم مکه می‌شود، وداعی آمیخته با اشک و اندوه فراق، که در همانجا به خواب می‌رود و رسول خدا را در خواب می‌بیند. با قبر مادرش و برادرش هم وداع می‌کند.

وداع دیگر در روز عاشورا و کربلاست. فرزندان اهل بیت نیز در آخرین باری که از امام و خیمه‌گاه خدا حافظی می‌کنند، سلام آخر را می‌دهند. وداع واپسین، همراه با سلامی خاص است.

سید الشهدا روز عاشورا چندین بار وداع کرد. وداع اول، آنگاه بود که به خیمه‌ها آمد و از خواهرش زینب، پیراهنی کهنه طلبید تا از زیر لباس بیوشد و در این وداع بود که علی اصغر را به آغوش گرفت تا با او نیز وداع کند، تیری گلوی او را از هم درید. وداع دیگر با فرزندش امام سجاد #171؛ بود که درون خیمه انجام گرفت. وداعی هم با دخترش سکینه داشت که بسی جانسوز بود و این در همان وداع آخر بود که حضرت با زخمهایی که از آنها خون می‌آمد برای خدا حافظی به میان اهل بیت آمد و با جمله #171؛ استعدوا للبلای و اعلموا ان الله تعالی حامیکم و حافظکم...؛ آنان را به صبر دعوت کرد و چون خواست برای کارزار نهایی به میدان رود، همه را اینگونه خطاب کرد: #171؛ یا سکینه یا فاطمه یا زینب و یام کلثوم! علیکن منی السلام...؛ و این نشان دیدار آخر بود. اهل بیت چون یقین کردند که دیگر او را نخواهند دید، بشدت گریستند.

آمدن زینب #171؛ از پی برادر و بوسیدن زیر گلوی او و نیز صدا کردن سکینه، پدر را و درخواست اینکه مرا بر دامن بنشان و... از جزئیات همین وداع است. #171؛ روضه وداع #171؛ از سوزناکترین مرثیه‌های حادثه عاشورا است، و نیز وداع امام حسین #171؛ با علی اکبر، آنگاه که عازم میدان بود. هنگام میدان رفتن یکایک اصحاب، با آن حضرت وداع می‌کردند و عاشقان با سلام کردن بود که اذن میدان هم حساب می‌شد.

بگذار تا بگرییم چون ابر در بهاران کز سنگ ناله خیزد روز وداع یاران هر کو شراب فرقت روزی چشیده باشد داند که سخت باشد قطع امیدواران با ساریان بگویند احوال آب چشمم تا بر شتر نبندد محمل به روز باران

برداشتن بیعت

بیعت، بر عهده بیعت کننده، تکلیف حمایت و یاری می‌آورد، مگر آنکه امام و پیشوای بیعت، این تعهد را از دوش بیعتگران بردارد و آنان را در #171؛ حل #171؛ قرار دهد که اگر رفتند، پیمان شکنی محسوب نگردد. در اینکه آیا با #171؛ حل بیعت #171؛، مسؤولیت از دوش صاحبان بیعت برداشته می‌شود، یا آنکه تکلیف حمایت و یاری حجت‌خدا همچنان بر دوش آنان باقی است، بحث است.

امام حسین #171؛ یک بار در وسط راه، پس از شنیدن حوادث کوفه و آگاه شدن از درگرونی اوضاع آن، بیعت را از همراهان برداشت، تا هر که می‌خواهد برود. آن هنگام عده‌ای رفتند. یک بار هم شب عاشورا پس از خطبه‌ای که به ستایش از وفاداری اصحابش پرداخت، فرمود: اینها تنها مرا می‌خواهند، شما را آزاد می‌گذارم که هر کس می‌خواهد برود. از تاریکی شب استفاده کنید و بروید: #171؛ فانطلقوا جميعا فی حل، لیس لی علیکم منی ذمام، هذا لیل قد غشیکم فاتخذوه جملا #171؛ البته آن شب کسی نرفت. برادران و پسران و برادرزادگان عبد الله جعفر و زینب #171؛ و کسانی چون عباس، زهیر بن قین و دیگران برخاستند و اعلام حمایت و جانبازی تا مرز شهادت نمودند و زندگی بی امام و حیات پس از شهادت حسین #171؛ را بی‌ارزش دانستند. گفت ای گروه، هر که ندارد هوای ما سرگیرد و برون رود از کربلا می‌ماند با هوس کشور آمده سرنورد به افسر شاهی گدای ما

حبیب بن مظاهر

از شهدای والا قدر کربلا بود. حبیب بن مظاهر (مظهر) اسدی، از طایفه بنی اسد، کوفی و از اصحاب رسول خدا؛ 171؛ ص و؛ را بود. در هر سه جنگ صفین، نهروان و جمل، در رکاب علی؛ 171؛ ع و؛ را داشت. از اصحاب خاص امیر المؤمنین و حاملان علم آن حضرت و در علوم قرآنی شاگرد خاص وی بود. حضرت امیر، او را که از حاملان علوم؛ 171؛ ع و؛ را، به علم؛ 171؛ م و؛ بلایا؛ را؛ (آنچه بعدها اتفاق خواهد افتاد) آگاه ساخته بود. عضو گروه ویژه؛ 171؛ م و؛ شرطه الخمیص و؛ را بود که نیروی ضربتی و مطیع علی؛ 171؛ ع و؛ را بودند. در نهضت مسلم بن عقیل در کوفه، وی از کسانی بود که در راه بیعت گرفتن برای مسلم، کوشش می کرد. نیز از سران شیعه در کوفه محسوب می شد که به حسین بن علی؛ 171؛ ع و؛ را دعوت نامه نوشت. نزد امام حسین؛ 171؛ ع و؛ را، موقعیت والایی داشت. در کربلا نیز امام، او را به عنوان فرمانده جناح چپ سپاه خویش تعیین کرد. حبیب، تلاش فراوانی داشت که یارانی از بنی اسد را به یاری حسین؛ 171؛ ع و؛ را، بیاورد، اما سپاه اموی مانع پیوستن آنان به یاران سید الشهداء شدند.

گفتگوی او با میثم تمار، هنگام عبور از مجلس بنی اسد، سالها پیش از عاشورا، که هر يك نحوه شهادت دیگری را پیشگویی می کرد و مایه شگفتی حاضران بودند، معروف است و این از همان علم منیاست که از علی آموخته بودند و جریانات آینده را رجز داشتند. روز عاشورا رجزی که در حمله هایش می خواند چنین بود: انا حبیب و ابی مظهر فارس هیجاء و حرب تسعر حبیب بن مظاهر، روز عاشورا از اینکه با شهادتش به بهشت خواهد رفت، خوشحال بود و با؛ 171؛ م و؛ بریر بن خضیر و؛ را مزاح می کرد. شهادت او بر حسین؛ 171؛ ع و؛ را، بسیار سخت بود. هنگام شهادت 75 سال داشت. سر او نیز همراه سرهای شهدا در کوفه گردانده شد.

عاشورا و امر به معروف

در فرهنگ عاشورا، حاکمیت ظلم یزیدی بزرگترین منکر اجتماعی است و مبارزه برای حاکم ساختن حق و قطع سلطه ستم، معروفی عظیم است. امر به معروف و نهی از منکر، از مهمترین فلسفه های حماسه خونین کربلاست. سید الشهداء در وصیتی که نوشته و به برادرش محمد حنفیه می سپارد، می فرماید:؛ 171؛ م و؛ انا ما خرجت اشرا و لا بطرا و لا مفسدا ولا ظالما، انا خرجت لطلب الاصلاح فی امة جدی، ارید ان آمر بالمعروف و انهی عن المنکر و اسیر بسیره جدی و ابی علی بن ابی طالب و؛ را.

این به وضوح، نقش امر به معروف و نهی از منکر را در حرکت عاشورایی امام نشان می دهد. در زیارتنامه آن حضرت هم این موضوع مطرح است:؛ 171؛ م و؛ اشهد انک قد اقامت الصلاة و آتیت الزکاة و امرت بالمعروف و نهیت عن المنکر و جاهدت فی سبیل الله حتی اتاک الیقین و؛ را.

این تعبیرات، نشان دهنده عمق این فریضه دینی است که در متن جهاد خونین هم جلوه گر می شود و دامنه امر به معروف و نهی از منکر، از واجبات و محرمات جزئی و فرعی و فردی، حتی به قیام برای اقامه قسط و سرنگونی حکومت باطل و تغییر نظام فاسد اجتماعی هم گسترش می یابد.

سید الشهداء، پس از امتناع از بیعت با یزید و برخورد هایی که با ولید و مروان داشت، کنار قبر پیامبر؛ 171؛ ص و؛ آمد و شب را آنجا به مناجات گذراند. در ضمن مناجاتش با خدا، عشق خود را به معروف بیان کرد و خواستار آنچه؛ 171؛ م و؛ خیر و؛ است در این مسیر شد:؛ 171؛ م و؛ اللهم انی احب المعروف و انکر المنکر و انا اسالك یا ذا الجلال و الاکرام بحق القبر و من فیه الا اخترت لی ما هو لك رضی و لرسولك رضی و؛ را.

خدایا من معروف را دوست می دارم و منکر را زشت می شمارم. ای خدای بزرگوار و صاحب کرم، به حق این قبر و مدفون در آن از تو می خواهم راهی و سرنوشتی برایم برگزینی که رضای تو و پیامبرت در آن باشد.

عاشورا و انقلاب اسلامی

نهضت عاشورا به لحاظ ماهیت اسلام خواهی، اصلاح طلبی و ظلم ستیزی اش، همواره الهام بخش انقلابیون و حرکت های اصلاحی بوده است. انقلاب اسلامی ایران نیز از آن سرچشمه سیراب شد و از محتوای عاشورا الهام گرفت. این الهام گیری هم از سوی رهبر انقلاب بود، هم از ناحیه مردم. شرایط سیاسی و اجتماعی ایران قبل از انقلاب، شبیه دوران بنی امیه بود. فساد و ظلم حاکمیت داشت، اسلام در حال نابودی بود، تبلیغات ضد اسلامی در اختیار طاغوت بود، ابتدال فرهنگی و غریبزدگی، معروف شدن منکر، منکر شدن معروف، به زندان افتادن آزاد مردان، حیف و میل بیت المال در راه عیاشیهای طاغوت، همه شرایطی را به وجود آورده بود که اصلاحی عمیق را می طلبید. تا زور بعنوان عامل استقرار حکومت نفی شود و معیارها حاکم گردد.

امام امت؛ 171؛ م و؛ را، با الهام از عاشورا، روح حماسه و غیرت دینی را در مردم دمید، به حکومت اسلامی و حاکمیت ارزشهای قرآنی فرا خواند، مفسد رژیم طاغوت را بر شمرد و در دوران تبعید هم از این راه دست بر نداشت. مردم، مبارزات خود را بر ضد یزید زمانه می دانستند و از تبیین مفسد معاویه، یزید، ابن زیاد و... ذهنها به مفسد و مظالم طاغوتیان منتقل می شد. مجالس محرم، منبرها، وعظها، نوحه ها رنگ و حال و هوای سیاسی و انقلابی گرفت. حتی شعارهای مردم در راهپیماییهای ضد طاغوتی، پیوند انقلاب و عاشورا را می رساند (رهبر ما خمینی، نهضت ما حسینی). عاشورا محور بسیج مردم و شور گسترش بر ضد طاغوت شد. عنصر شهادت به مبارزه مردم جان و روح بخشید.

خانواده‌ها شهدای خود را به فرمان حسین زمان و محشور با شهدای کربلا می‌دانستند.

امام امت، در سخنرانیهایش و نیز در مصاحبه‌ها، مشروعیت حکومت شاه را زیر سؤال برد و خواستار تشکیل حکومت اسلامی بود. آنگونه که سید الشهداء؛ 171#&؛ نیز با امتناع از بیعت، لافت‌ییزید را نامشروع و غاصبانه دانست. نگرش سیاسی به حادثه کربلا و درس‌آموزی از قیام عاشورا، سرلوحه دعوت امام خمینی و همفکران او بود و اعلام اینکه همه‌جا کربلا و هر روز عاشورا است، تأکیدی بر این برداشت بود. قتل عام 15 خرداد، گرچه بظاهر سرکوب نهضت امام بود، اما خونهای شهدا و افشاگریها و مبارزات بعدی، اذهان را برای یک انقلاب آماده ساخت. عاشورای حسینی هم در ظاهر، با شهادت امام و یارانش به پایان رسید، ولی همان حادثه، بذر تحرکها و بیدارگریهای عظیمی را افشاند و به بارنشست. امام امت، با توجه به قدرت جذب، الهام، سازماندهی و شور آفرینی کربلا و عزاداریهای ایام محرم و دسته‌های عزاداری، این سنت دیرین را بشدت، حمایت کرد.

همچنانکه خطابه امام خمینی در 15 خرداد (12 محرم) آغاز این نهضت بود، راهپیماییهای تاسوعا و عاشورا نیز در آخرین سال حکومت رژیم پهلوی، ضربه نهایی را بر آن زد. امام تأکید داشت که روحانیون و خطبا، حد اعلای استفاده را از منابر حسینی در ماه محرم و صفر داشته باشند. بهره‌هایی که عاشورای حسینی به پیروزی انقلاب رساند، فراوان بود.

به تعبیر امام امت: 171#&؛ اگر قیام حضرت سید الشهداء؛ 171#&؛ نبود، امروز ما هم نمی‌توانستیم پیروز شویم. &؛ 171#&؛ واقعه عظیم عاشورا از 61 هجری تا خرداد 61 و از آن تا قیام عالمی بقیة الله ارواحنا لمقدمه الفداء، در هر مقطع انقلاب ساز است. &؛.

عاشورا و جبهه‌ها: پس از پیروزی انقلاب نیز، آنچه ملت را در مقابل استکبار جهانی، مقاوم و بی‌باک ساخت و امت انقلابی و رهبری انقلاب، تن به سازش ندادند، همان درس‌عزتی بود که از 171#&؛ هیهات منا الذله؛ 171#&؛ ابا عبد الله آموخته بودند و آنچه که در سالهای دفاع مقدس، جبهه‌ها را گرم نگه می‌داشت و سیل نیروی عظیم انسانی به جبهه‌ها سرازیر می‌شد و فتح الفتوح‌ها می‌آفرید. درسهای آموخته از کربلا و مکتب شهادت بود. امام امت فرمود: 171#&؛ انقلاب اسلامی ایران، پرتوی از عاشورا و انقلاب عظیم الهی آن است. &؛ فرمود: 171#&؛ این خون سید الشهداء است که خونهای همه ملت‌های اسلامی را به جوش می‌آورد. &؛ آنچه عاشورا داشت، یک بار ایدئولوژیکی و انگیزه مکتبی برای مبارزه بود. این محتوا در ذهن رهبر انقلاب و در دل پیروان او شکل گرفت و نهضت را پدید آورد و پس از پیروزی هم هشت سال دفاع خونین از انقلاب را اداره و تغذیه کرد. فرهنگ عاشورا و الهام از اسوه‌های کربلایی، حتی در وصیت نامه‌ها، پیشانی‌بندها، شعارها، سرودها، نوحه‌ها، تابلوهای جبهه، رمز عملیات، مجالس ختم شهدا متجلی بود. وقتی فرماندهی می‌گفت: 171#&؛ ما یک بار حسین را در کربلا تنها گذاشتیم و چهارده قرن، تحقیر و تازیانه و توهین و شکنجه چشیدیم، هرگز مبادا این بار حسین؛ 171#&؛ را تنها بگذاریم؛ این عمق تأثیر عاشورا را در دفاع مقدس ما نشان می‌دهد.

رزمندگان اسلام، به عشق حسین؛ 171#&؛ در جبهه‌ها تشنه جان می‌دادند، انتظار و امید حضور ابا عبد الله؛ 171#&؛ را بر بالین خود داشتند. آنچه به پیشانی بندها یا پشت لباسهای رزم خود می‌نوشتند، پیوند جبهه و کربلا را می‌رساند، از قبیل: مسافر کربلا، زائر کربلا، یازیارت یا شهادت، هیهات منا الذله، یا قمر بنی هاشم، یا ثار الله، یا حسین شهید، یا سیدالشهدا، عاشقان کربلا، کل یوم عاشورا، یا ابا عبد الله، لبیک یا حسین و... تابلو نوشته‌های جاده‌های جبهه نیز الهام از فرهنگ عاشورا داشت. غیر از تعبیرات یاد شده که گاهی در تابلو نوشته‌ها هم دیده می‌شد، عباراتی این چنین نیز، گویای این حقیقت است: هر که دارد هوس کرب و بلا بسم الله، اگر خسته جانی بگو یا حسین، وعده‌گاه حزب الله صحن ابا عبد الله، رزمندگان تا کربلا راهی نمائید، راه قدس از کربلا می‌گذرد، پیش به سوی حرم حسینی، بسیجی مسافر جاده‌های پر پیچ و خم کربلا و... دهها جمله دیگر.

نامگذاری برخی از عملیات نیز با الهام از نهضت عاشورا بود. عملیات محرم، مسلم بن عقیل، عاشورا، ثار الله، کربلای 1 تا 10 و... از این نمونه‌هاست. رمز عملیات نیز گاهی از اسامی مبارک حماسه‌سازان کربلا بود که رزمندگان، شوری عاشورایی پدید می‌آورد، همچون: یا حسین فرماندهی، یا ابا الفضل العباس، یا زینب، یا ابا عبد الله الحسین، همین که رزمندگان خود را در مسیر اهداف عاشورا می‌دیدند، شور می‌گرفتند و همین که خانواده‌های آنان به جبهه حسینی سرباز می‌فرستادند، صبور و مقاوم می‌شدند، شهیدان جبهه‌ها را مسافران بازگشته از کربلا می‌دانستند (این گل پرپر از کجا آمده؟ از سفر کرب و بلا آمده) و عزیمت به جبهه را حرکت به سوی حرم حسینی می‌دیدند (گرفته‌ایم جان به کف و به کربلا می‌رویم، پیش به سوی حرم حسینی) جانبازان بی دست را، اقتدا کنندگان به قمر بنی هاشم می‌دانستند و مادران و خواهران و دختران شهدا را درس آموخته از زینب و سکینه؛ 171#&؛ می‌یافتند و مادر چند شهید را به 171#&؛ ام البنین؛ تشبیه می‌کردند و در حمایت از رهبری انقلاب و اطاعت فرمان جهاد او، شعار؛ 171#&؛ ما اهل کوفه نیستیم حسین تنها بماند؛ سر می‌دادند. شبهای حمله، با نوحه خوانی و سینه زنی و عزاداری برای امام حسین؛ 171#&؛ روحیه می‌گرفتند.

در آن سالها، عزیمت به جبهه، پاسخ به ندای؛ 171#&؛ هل من ناصر؛ حسین زمان بود و جبهه‌های غرب و جنوب کشور،؛ 171#&؛ کربلای ایران؛ محسوب می‌شد و شهدایی که به عاشوراییان تاریخ می‌پیوستند، سیراب شدگان از فرات عشق و علقه یقین بودند و حتی؛ 171#&؛ مفقود الاثر؛ ها، گمشدگانی در؛ 171#&؛ حریم کربلا؛ تلقی می‌شدند. این باورها و

برداشتها بود که به امت ما آرامش و اطمینان میبخشید و رزمندگان را برای رفتن به جبهه، بی‌تاب می‌ساخت. انقلاب اسلامی ایران و دفاع مقدس، در اهداف، انگیزه‌ها، شیوه مبارزه، روشهای دفاع، روحیه مردم، شهادت طلبی و صبر، الهام گرفته از عاشورا است. تا پایان نیز به این فرهنگ وفادار می‌ماند.

ماخذ: فرهنگ عاشورا - استاد جواد محدثی